

ما نهادی مردمی مثل بسیج را یک نهاد نظامی نمی‌دانیم. بسیج مرکب از توده‌های مردم است و ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که توده‌های مردم در انتخابات و مسایل کلان سیاسی دخالت نکنند.

**شما موضع‌گیری فرمانده سپاه در میانه دعوی دو جناح سیاسی کشور را مصداق دخالت نظامیان در سیاست نمی‌دانید؟**

البته پس از انتخابات از آن جایی که حوادث خصلت امنیتی پیدا کردند و به یک موضوع امنیتی تبدیل شده و با نظم عمومی و امنیت اجتماعی گره خوردند، قاعدتا امنیت اجتماعی به دست سپاه و بسیج افتاد.

**قبل از انتخابات، آقای فیروزآبادی به نفع احمدی‌نژاد موضع‌گیری صریح داشتند و در دو سال گذشته هم موضع‌گیری سیاسی نظامیان به حدی زیاد بود که حتی سید حسن خمینی هم نسبت به این امر هشدار داد.**

قاعدتا شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید مسوولین و شخصیت‌های سیاسی در مساله‌ای مهمی چون ریاست جمهوری، موضعی اتخاذ نکنند

**ولی در دهه ۶۰ که آن همه دعوی سیاسی بین دو جناح چپ و راست کشور در جریان بود، امام به فرمانده سپاه اجازه نمی‌داد که موضعی در قبال انتخابات ریاست جمهوری یا مجلس اتخاذ کند.**

دفاع از اصول و آرمان‌ها قاعدتا خیلی مصداق موضع‌گیری سیاسی نمی‌شود. جایی که بحث اصول و دفاع از اصول به میان می‌آید، قطعاً انتظار می‌رود آنهایی که به واسطه مسوولیت‌شان به دنبال حفظ مبانی نظام و انقلاب هستند، حتی اگر در راس مسوولیت‌های نظامی هم باشند، بی‌تفاوت نشینند.

**پس شما آن جمله وصیت‌نامه امام را که به صراحت می‌گوید نظامیان در سیاست دخالت نکنند، چگونه تفسیر می‌کنید؟**  
قرار بود این مصاحبه یک مصاحبه کوتاه باشد.

**منظور من از یک مصاحبه کوتاه، مصاحبه‌ای ۱۵-۱۰ دقیقه‌ای بود. الان که ما در دقیقه ششم مصاحبه هستیم. لطفا نظرتان را درباره آن جمله وصیت‌نامه امام بفرمایید.**  
خواهش می‌کنم بیشتر از این وقت مرا نگیرید.



# حقوق بشر و مذاکره ایران و آمریکا

روشنک دوراندیش

مسیر مخالفت با حکومت ایران، نباید بر روی حمایت جهان غرب، حساب چندان باز کرد. هر چند که عموم این افراد متعلق به جریانهای سیاسی چپ‌گرا هستند اما برخی از لیبرال‌های ایرانی نیز معتقدند اتکا به حمایت دولت‌های غربی در مسیر مبارزه با جمهوری اسلامی، مصداقی از "اشتباه محاسباتی" است. از نظر این افراد، مخالفان جمهوری اسلامی در داخل و خارج ایران، باید به حمایت فعالان جامعه مدنی در کشورهای غربی امیدوار باشند و بکوشند تا بلکه از این طریق، افکار عمومی کشورهای غربی را به نفع خویش بسیج سازند تا سرانجام به نتایج سیاسی مطلوب خویش دست یابند. بدین معنا که بسیج افکار عمومی در جهان غرب، بر سیاست خارجی کشورهای غربی در رابطه با ایران تاثیرگذار باشد. اما قطع کمک مالی دولت آمریکا به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، احتمالاً موجب ناامیدی و اعتراض نیروهای مخالف نظام جمهوری اسلامی در خارج از کشور خواهد شد. برخی از تحلیل‌گران سیاسی و فعالان حقوق بشر، بلافاصله پس از اعلام این خبر، این نکته را یادآور

همزمان با اظهار رضایت مقامات آمریکایی از مذاکرات کشورهای ۵ + ۱ با ایران در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران، خبر قطع کمک مالی دولت آمریکا به "مرکز اسناد حقوق بشر ایران" نیز اعلام شد. مرکز اسناد حقوق بشر ایران، در اواخر سال ۲۰۰۴ میلادی با کمک یک میلیون دلاری وزارت امور خارجه آمریکا در نیویورک ایالت کاناتیکات تاسیس شده‌است. یکی از اهداف این مرکز، بررسی و مستندسازی موارد تخلف حقوق بشر در ایران اعلام شده‌است. رنه ردمان، مدیر این مرکز، اعلام کرده‌است که وزارت امور خارجه آمریکا از سال ۲۰۰۴ میلادی حدود سه میلیون دلار در اختیار مرکز او قرار داده و در عمل ۹۰ درصد بودجه آن را تامین می‌کرده‌است. قطع کمک مالی دولت آمریکا به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، می‌تواند امید اپوزیسیون نظام جمهوری اسلامی نسبت به تداوم فشارهای حقوق بشری دولت آمریکا بر حکومت ایران را کاهش دهد. از دیرباز بسیاری از مخالفان جمهوری اسلامی بر این نکته تاکید داشته‌اند که در



رضا اکرمی

## دیدگاه

حدود چهارماه است که انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری را پشت سر گذاشته‌ایم. با اینکه صحت انتخابات و مراسم تنفیذ و تحلیف و معرفی کابینه به پایان رسیده‌است ولی باز هم در کشور شاهد نگرانی‌ها، بی‌اعتمادی‌ها و دلهره‌ها هستیم. ما باید دو کار بکنیم. یکی اینکه انتخابات را تمام شده بدانیم و دیگر پیرامون انتخابات هیچ بحثی نکنیم. علاوه بر این، مسائل جنبی و حاشیه‌ای انتخابات باید از طریق قانون پیگیری شود تا معلوم شود که حوادثی که بوجود آمد، از قبیل حمله به کوی دانشگاه، مساله کهریزک، مساله اغتشاشات و آسیب زدن به اموال مردم، مسئولیتش با کیست. این را باید دادگاه و قانون به صورت عام مشخص کند، یعنی همه مسائل مورد بررسی قرارگیرد نه اینکه بعضی‌ها را پررنگ بکنیم و بعضی‌ها را کمرنگ. نکته سوم اینکه، ما کارهایی غیر از انتخابات هم در کشور داریم که باید به آنها بپردازیم؛ از قبیل مساله اشتغال و بیکاری و تورم و اعتیاد و اسکان و فساد اداری و نقدینگی بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان و مسائل سیاست خارجی. ما باید به سرعت به سمت حل مشکلات مردم حرکت کنیم. حل این مشکلات نیز منوط به آن است که وحدت و آرامش در جامعه ما وجود داشته‌باشد و همدلی و همکاری، همگانی شود. اگر به این نقطه برسیم، کشور در مسیر رشد و جهش قرار می‌گیرد و در این صورت ما می‌توانیم در موعد مشخص به افق ترسیم شده در چشم انداز ۱۴۰۴ برسیم. اگر دولت بخواهد در هر کار علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موفق باشد، ناگزیر است چند کار را انجام دهد. اول اینکه چشم انداز ۱۴۰۴ را مورد توجه قراردهد. دوم اینکه برنامه پنج‌ساله پنجم را هر چه سریعتر به مجلس بدهد زیرا این برنامه از سال ۸۹ باید به اجرا درآید و عملی شود. سوم اینکه از همه نیروهای واجد استعداد و شرایط لازم و نیز از همه امکانات استفاده کند تا بتواند کارآمدی داشته‌باشد. اگر هر یک از موارد فوق تامین نشود، قطعاً دولت در کارهای خودش موفق نخواهد بود. اگر دولت به قانون التزام داشته‌باشد و از همه نیروها استفاده کند، موفق خواهد بود.

غرب است. سبک زندگی بسیاری از افراد تشکیل‌دهنده جنبش سبز در ایران، به مراتب غرب‌گرایانه‌تر از سبک زندگی مخالفان این جنبش در ایران و یا شهروندان هوادار برپایی حکومت‌اسلامی در کشورهای عربی خاورمیانه است. مجموع دلایل فوق، یعنی وجود یک جنبش دموکراسی خواه در ایران، مخالفت این جنبش با حکومت اسلامی ایران و غرب‌گرایی جنبش مذکور، مانع از آن می‌شوند که بتوان رفتار سیاسی جهان غرب با کشورهای عربی خاورمیانه را الگوی رفتار غرب با ایران در صورت حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران قلمداد کنیم. توافق احتمالی ایران و آمریکا در مذاکرات هسته‌ای پیش‌رو، حتی اگر به سایر حوزه‌های مورد اختلاف دو کشور نیز تسری یابد، نمی‌تواند فشار جهان غرب بر دولت ایران را در دراز مدت منتفی سازد؛ زیرا حکومت اسلامی ایران، رژیم مطلوب جهان غرب نیست و در شرایط وجود تلاطمات سیاسی نیرومند و گسترده در جامعه ایران، جهان غرب نمی‌تواند خود را از وسوسه پاکسازی خاورمیانه از حکومت اسلامی غرب ستیز ایران خلاص کند. لاری دیاموند، نظریه‌پرداز برجسته‌گذار به دموکراسی، در مقاله "آیا همه دنیا می‌تواند دموکراتیک شود؟"، پس از ارائه پاسخ مثبت به سؤال فوق، در بررسی بدلیهای دموکراسی در جهان، به این نکته اشاره می‌کند که با فروپاشی رژیم‌های توتالیتر بلوک شرق و بی‌اهمیت شدن رژیم‌های نظامی رو به اضمحلال در آفریقا و امریکای لاتین، تنها بدیل دموکراسی در جهان، "حکومت اسلامی" در ایران است. بدیهی است که سیاستمداران آمریکایی و اروپایی نیز به این دقیقه التفات دارند و ترجیح می‌دهند که این تنها بدیل دموکراسی در جهان را نیز از میدان رقابت با نظام سیاسی مطلوبشان خارج سازند. بنابراین رقابت "حکومت اسلامی" با "دموکراسی" را باید به دلایل سه‌گانه فوق در خصوص عدم حصول توافق و همزیستی پایدار میان دول غربی و دولت ایران ولو در شرایط حل و فصل مساله فعالیت‌های هسته‌ای ایران، اضافه کرد. از مجموع دلایل چهارگانه فوق می‌توان به این نتیجه رسید که قطع کمک مالی دولت آمریکا به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، هیچ تاثیر استراتژیک و پایداری در بهبود روابط آمریکا و اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران نخواهد داشت.

شدند که نگاه دولت بوش به مساله حقوق بشر در ایران، نگاهی کاملاً ابزارانگارانه بود و بسیار محتمل است که دولت اوباما نیز مطالبات حقوق بشری خود را در ازای تامین مطالبات هسته‌ای‌اش در مذاکرات با ایران، کنار بگذارد. هر چند که ایان کلی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، پس از آگاهی از خبر قطع کمک مالی دولت آمریکا به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، اعلام کرد که اولویت‌های وزارت امور خارجه آمریکا برای ترویج حقوق بشر و حمایت از جامعه مدنی در رابطه با کشورهای منطقه خاور نزدیک تغییری نکرده است، ولی انتشار خبر مذکور درست پس از اعلام رضایت وزیر امور خارجه و وزیر دفاع آمریکا از مواضع ایران در مذاکرات ژنو، بدگمانی فعالان حقوق بشری ایران را نسبت به عملکرد دولت آمریکا، همچنان پابرجا نگه می‌دارد. اما آیا به راستی توافق احتمالی ایران و آمریکا در خصوص پرونده هسته‌ای ایران، می‌تواند زمینه ساز منتفی شدن فشار دولت‌های غربی و به‌ویژه آمریکا بر دولت جمهوری اسلامی در خصوص مساله حقوق بشر در ایران باشد؟ مخالفان غرب ستیز نظام جمهوری اسلامی، قطعاً به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهند و در تایید پاسخ خود، احتمالاً مسامحه آمریکا و سایر کشورهای جهان غرب با کشورهای عربی منطق خاورمیانه را مثال می‌زنند. بدین معنا که آنها نادیده گرفته شدن نقض حقوق بشر در کشورهای عربی خاورمیانه را از سوی آمریکا، دلیلی آشکار در تایید مدعای خود می‌دانند. اما در باب تداوم یا عدم تداوم فشارهای حقوق بشری جهان غرب بر دولت ایران و مقایسه میزان این فشار با فشار وارد شده بر دولت‌های عربی خاورمیانه، این نکته اساسی را نباید فراموش کرد که در ایران یک جنبش دموکراسی خواه گسترده با سابقه‌ای حداقل دوازده ساله وجود دارد اما در هیچ از کشورهای عربی منطقه خاورمیانه، چنین پدیده‌ای وجود ندارد. علاوه بر این، غرب‌گرایی در جامعه ایران، به مراتب بیشتر از غرب‌گرایی جوامع عربی خاورمیانه است. همچنین نباید فراموش کرد که جنبش‌های سیاسی بالقوه در کشورهای عربی خاورمیانه، جنبش‌هایی اسلامگرا و مستعد براندازی رژیم‌های سنتی غرب‌گرای حاکم در این کشورها هستند و به همین دلیل آمریکا و متحدان اروپایی‌اش نمی‌خواهند با اعمال فشار بر دولت‌های عربی، زمینه فروپاشی آنها و برپایی حکومت اسلامی در کشورهای مذکور را فراهم سازند. اما جنبش سیاسی موجود در ایران، چنانکه گفته شد، جنبشی دموکراسی خواه است که از جهات عدیده‌ای نیز می‌توان آن را غرب‌گرا محسوب کرد. این جنبش از حیث باورهای سیاسی و نیز نیروهای پایه خویش (طبقه متوسط جدید در ایران) به شدت متأثر از